



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیشه زاده

بخش دهم

ژرفمایی در مورد صنعت بافندگی پارچه

دوران هرج و مرج و چپاول با همت مردم سپری شد و امنیت و آسایش فرارسید و آهسته آهسته هنرمندان، صنعتگران، طراحان و کارگران ماهر پارچه‌بافی کارگاه‌های خود را بازسازی و شروع به کار نمودند. از لحاظ اقتصاد این مطلب شایان دقت است که در دوران سلطنت اشکانیان ملل مختلف یونان، بهودی، فنیقی و دیگر اقوام از شامات و آسیای صغیر، زندگی در ایران را بر سایر نقاط جهان ترجیح می‌دادند.

مردم کشور ما از دوران باستان در راه پیشرفت صنایع دستی منجمله ریسندگی و بافندگی گام‌های ارزشی برداشته‌اند. آثار تاریخی که از دوران باستان در این کشور به‌جای مانده است شاهد زنده‌ای بر اثبات ذوق و هنر سرشار ایرانی است. نمونه‌هایی از پارچه‌های و فرش و محصولات چرمی که متعلق به دوران هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۳۱ قبل از میلاد) در موزه‌های بزرگ وجود دارد خود موید این مدعاست.

هر رشته از هنرهای زیبا و صنایع دستی کشور ما در گذشته مورد توجه جهانیان مخصوصاً مستشرقین و مخترعین قرار گرفته و هر یک به زبانی ساده ولی با حرارت، توانایی و مهارت استادان بزرگ ایران را شرح داده‌اند. پارچه‌های گران قیمت، زری‌کاری،

ملیله‌دوزی، ابریشم‌بافی و به‌طور کلی صنعت بافندگی و قالی‌بافی ایران در قرون گذشته مورد نظر و توجه خارجیان بوده است.

زمانی، پارچه‌شناسان جهان و سپاهان بزرگ مغرب و یمن معتقد بودند زیباتر و محکم‌تر از زری‌بافی و بافندگی ایران در دنیا وجود ندارد و هم‌اکنون نیز قالی‌شناسان دنیا معتقدند که زیباتر و پر دوام‌تر از قالی‌های ایران هرگز به‌وجود نیامده است و به‌خاطر چنین شهرت جهانی بود که پارچه و قالی‌ها تا اقصی نقاط دنیا صادر می‌گشت، مورد توجه ساکنین آن ممالک مخصوصاً ثروتمندان و مسئولین آن کشورها واقع می‌شد و از همین راه توجه عالمیان به کشور ما جلب گردید و ده‌ها جهانگرد، و خاورشناس محقق و مخترع را وادار به تحقیق در رشته‌های مختلف صنایع و هنر و پارچه‌بافی ایران نمود.

دوره صفویه:

هنرمندان دوره صفویه در صنعت پارچه‌بافی اعجاز کردند. پارچه‌هایی که نساجان ایران در این دوره بافته‌اند در تمام تاریخ هنر نساجی جهان نظیر ندارد. مشکل است بتوان آغاز این دوره با موجبات پیدایش

این پیشرفت خارق‌العاده را به‌دقت تعیین نمود. تصویر شماره یک، نوعی پارچه ابریشمی قلابدوزی متعلق به قرن دهم هجری را نشان می‌دهد که از شاهکارهای تولید پارچه‌های زینتی است. این نوع پارچه به دلایل زیادی به این صورت تهیه شده که تولید جدیدی را به بازار عرضه نماید و در کنار پارچه‌های زربفت خودی نشان دهد.

نساجان ایرانی برای تولیدات جدید و مرغوب کوشیده‌اند تا در بافت انواع و اقسام پارچه‌ها از قبیل دپیا و پارچه‌های کتان، اطلس، مخمل و ... ابتکار و مهارت پیدا کنند. هم‌چنین با کمک رنگرزه‌ها نیز موفقیت‌های شایانی را نصیب خود کرده‌اند و توانسته‌اند دقیق‌ترین و زیباترین انواع رنگ‌ها به کار برند. در تزئین و طراحی نقشه بافت زمینه پارچه نیز به درجه‌ای از کمال رسیدند که مانند آن سابقه نداشته است و با تولید و به کار بستن انواع گل‌ها و فروغ نباتی و بادبزن‌های نخلی و مناظر سبز و خرم باغ و گلزار و به‌کارگیری پرندگان و آهوان و اشکال ابرهای چینی در تزئین پارچه‌ها ظاهر جدیدی به تولیدات خود بدهند به‌علاوه، این نقش و نگارها در قالب بسیار زیبا و جذاب که دلالت بر خوش

بهترین مراکز نساجی و بافندگی این دوره تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه، اردستان، شیروان بود که مخصوصاً کارخانه‌های آن‌ها به تولیدات نرمی و دقت در بافت و تناسب در رنگ‌ها و زیبایی معروف شده است اما قدیمی‌ترین پارچه ابریشمی که منسوب به دوره صفوی است و تاریخ نیز دارد در شهر رشت بافته شده است و فعلاً روپوش مقبره امام رضا(ع) می‌باشد.

ذوقی و کمال صنعت می‌کرد؛ به کار برده شده است. از اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم، تمایل شدیدی به چند تصویری و کاربرد صورت و نقش و نگار ظاهر شد و کم‌کم قوت گرفت و شیوع یافت تا به حدی که یکی از واضح‌ترین ممیزات پارچه و قماش دوره صفویه شده است. در همان وقت علاقه و رابطه

شدیدی میان موضوع‌های تزئینی پارچه‌ها و تصاویر کتاب‌های خطی به‌وجود آمده و بر اثر تأثیری که فنون و سبک‌های چینی در صنعتگران ایران داشتند اشکال و تصاویر خیلی دقیق شده و در تقلید از طبیعت و کشیدن مثال‌های زنده، مهارت فوق‌العاده‌ای به دست آمد.

به‌رحال بر اثر توجه خاص سلاطین صفوی و ایجاد نظم و امنیت و اهمیتی که به صنعت نساجی داده می‌شد بافتن فرآورده‌های تازه و بافتن پارچه‌های پشمی و ابریشمی شکل‌دار به دوره طلایی خود رسیده و کارخانه‌های ایران بهترین انواع دیبا و مخمل را که بارشته‌های ابریشمی رنگ به رنگ که گاهی با رشته‌های نقره‌تزیین می‌شد، بافتند.

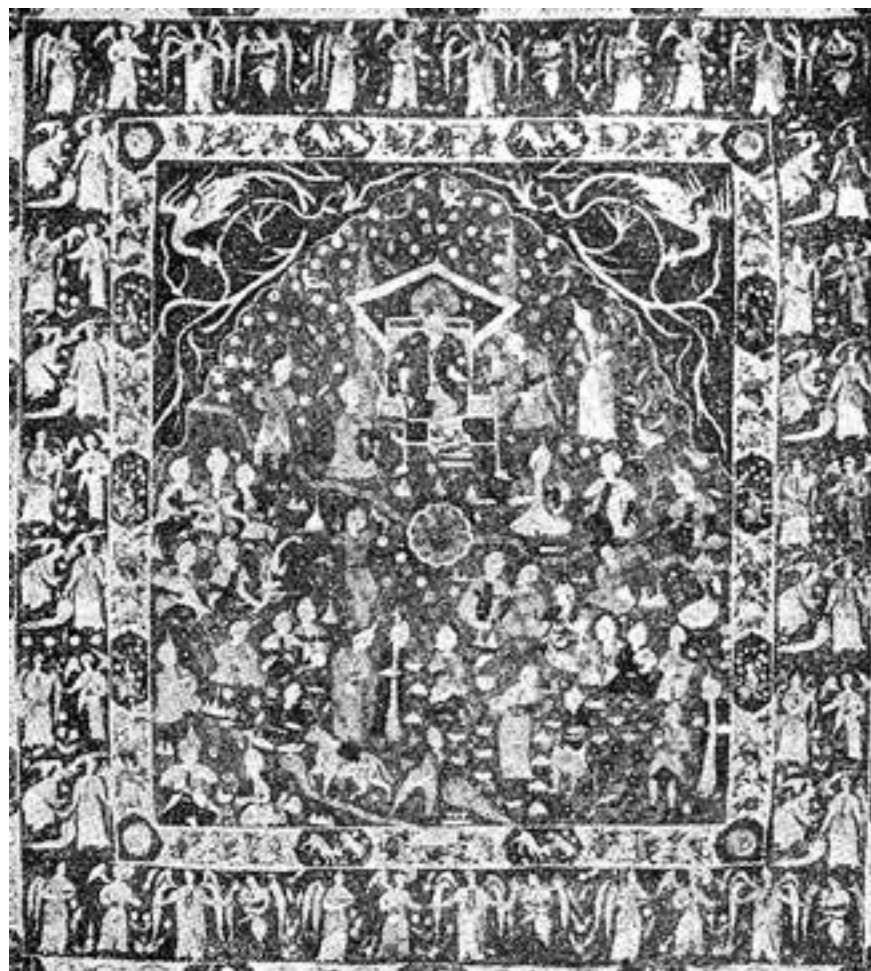
تصویر شماره ۲، پارچه مخمل بافت کاشان است که در قرن دهم بافته شده و در موزه یانگ سان

فرانسیسکو نگهداری می‌شود. از تولیدات جدید این دوره است که برای ایجاد بازارهای جدید ابتکار داده شده است.

تزئینات این نوع پارچه‌ها عموماً از موضوع‌های داستانی و داستان‌های شاهنامه و منظومه‌های شعرای معروف ایران و یا مناظری که شاهزادگان و طبقه اشراف را در شکارگاه‌ها نمایش می‌داد، بوده است که در بافت‌های ابریشمی به نمایش در می‌آوردند. علاوه بر این مناظری از جشن‌هایی که در باغ و گلزار و هوای آزاد تشکیل می‌یافت و یا از گل‌های زیبایی که در قرن‌های دهم و یازدهم هجری (شانزدهم میلادی) در تزئین منسوجات ایرانی به کار رفته مانند گل سوسن، زنبق، گل سرخ و ... در پارچه‌ها به کار رفته اما از حیوانات که در منسوجات به کار برده‌اند اشکال حیوانات درنده، خرگوش، آهو و طوطی مشخص است و گذشته از همه اینها اشکال درخت سرو و نارون عموماً درخت‌های مخروطی شکل و اجزاء اشکال تزئینی منسوجات آورده‌اند.

تصویر شماره ۳ یک قطعه پارچه (زری) با تارهای معدنی راجع به قرن ده (۱۶ میلادی) در موزه تاولو در شهر کیل می‌باشد که انواع مناظر و صورت انسان و درخت‌های متنوع و زمینه اطلس و حالت پذیرایی در یک فضای باز و هوای آزاد است. تمام این موضوعات که برای زینت دادن پارچه به کار می‌رفت و موضوعات دیگری از قبیل مناظر طبیعی و سایر مناظر از قبیل سرگذشت خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون ... همه در صفوف افقی به طوری مرتب شده‌اند که منسوجات دوره صفوی را یک به جهت و طراوت و زیبایی بی‌نظیری می‌داد که بر ارزش فنی آن‌ها می‌افزود.

بهترین مراکز نساجی و بافندگی این دوره تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه، اردستان، شیروان بود که مخصوصاً کارخانه‌های آن‌ها به تولیدات نرمی و دقت در بافت و تناسب در رنگ‌ها و زیبایی معروف شده است اما قدیمی‌ترین پارچه ابریشمی که منسوب به دوره صفوی است و تاریخ نیز دارد در شهر رشت بافته شده است و فعلاً روپوش مقبره امام رضا(ع) می‌باشد و



تصویر شماره یک- پارچه ابریشمی قلابدوزی

بر اثر توجه خاص سلاطین صفوی و ایجاد نظم و امنیت و اهمیتی که به صنعت نساجی داده می‌شد بافتن فرآورده‌های تازه و بافتن پارچه‌های یشمی و ابریشمی شکل‌دار به دوره طلایی خود رسیده و کارخانه‌های ایران بهترین انواع دیبا و مخمل را که با رشته‌های ابریشمی رنگ به رنگ که گاهی با رشته‌های نقره تزئین می‌شد، بافتند.

مریدان، درویشان و صوفیان می‌خواندند و در عین حال دست نشانده و تابع او بودند و سپاهیان فتودالی او را تشکیل می‌دادند.

از ثلث دوم قرن ۱۵ میلادی، شیخ صفوی به بهانه جهاد هر سال به مناطق غیر مسلمان از قبیل داغستان، چرکستان، گرجستان و طرابوزان حمله می‌کردند. این تهاجمات که زیر لفافه دین صورت می‌گرفت جز دستیابی به غنائم گران‌بها برای جنگجویان چادر نشین، هدف دیگری نداشت. به‌ویژه اسبان، دام‌ها و اسیران فراوان از زن و مرد به دست جنگجویان مزبور می‌افتاد. اینان اسیران را بنده خویش ساخته و به گواهی سفیر ونیز بخشی از آنان را در بازار پرده‌فروشان اردبیل، به معرض فروش می‌گذاشتند.

صفویه می‌کوشیدند از حسن توجه توده‌های مردم آذربایجان و ایران و آسیای صغیر یعنی پیشه‌وران و روستائیان و فقیرترین قشر چادر نشینان به مذهب شیعه استفاده کنند و در دادن نویدهای عوام غریبانه به آنان به هیچ وجه امساک نمی‌کردند. چنانکه دیدیم، قزلباش دائماً به گرجستان و داغستان و خاک چرکس حمله می‌کردند در نتیجه شیخ جنید و شیخ حیدر صفوی در نبرد با شروانشاهیان که از یاری سلاطین آق‌قویونلو برخوردار بودند، کشته شدند.

شیخ حیدر، نخستین کسی است که پیروان خود را با کلاه سرخ مشخص نمود و برای اجرای نقشه‌های خود روشی کما بیش فاشیستی پیش گرفت. اگر گفته سنی متعصبی را درباره شیخ حیدر بپذیریم، هرگاه وی در اردبیل با مخالفت کسی روبرو می‌شد به فرمان وی، مریدانش سگی را به نفت و گوگرد آغشته ساخته و آتش زده از پنجره به درون خانه مخالف می‌افکندند.



تصویر شماره ۲- پارچه مخمل بافت کاشان

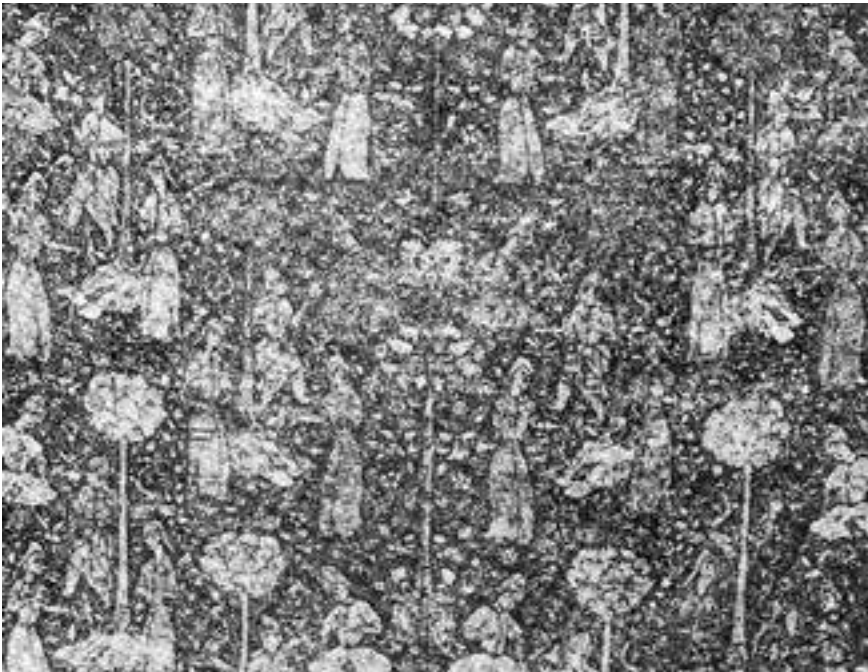
تا ۱۴۴۷ میلادی-۸۳۱ تا ۸۵۱ هجری) سومین جانشین شیخ صفی‌الدین، صاحب و امیر فتودال اردبیل و حومه بود.

در قرن پانزدهم میلادی (قرن ۹ هجری) تکیه‌گاه عمده صفویه، قبایل چادر نشین ترک بودند که به زبان آذربایجانی سخن می‌گفتند. منشاء این قبایل متفاوت بود، بخش اعظم ایشان از آسیای صغیر به آذربایجان و ایران کوچ کرده بودند، زیرا با سلاطین عثمانی و سیاست مرکزیت طلبی آنان دشمنی داشتند. در آغاز تعداد این قبایل هفت بود «شاملو، روملو، اوستاجلو، تکه‌لو، افشار، قاجار و ذوالقدر» از این هفت قبیله فقط دو قبیله شاملو و روملو کاملاً از صفویان اطاعت می‌کردند. این قبایل بعدها (در نیمه دوم قرن نهم هجری) به نام مشترک قزلباش (به زبان آذربایجانی یعنی سرخ سر خوانده شدند. این جنگجویان چادر نشین به نشان امتیاز، عمامه‌ای که ۱۲ خط ارغوانی داشت به افتخار دوازده امام شیعه بر سر می‌نهادند. قزلباشان ریش را می‌تراشیدند و سیبیل‌های دراز می‌گذاشتند و کاکلی بر سر تراشیده خود جا می‌گذاشتند. اینان از شیعیان متعصب و جنگجو بودند. قزلباش‌ها شیخ صفی را رئیس روحانی خویش می‌شمردند و خود را

در شهر مشهد قرار دارد. روی این قطعه نام بافته آن (میرنظام) و تاریخ و سال بافت (۹۵۶ هجری برابر ۱۵۴۵ میلادی) موجود است. اشکال تزئینی آن عبارتند از شاخه‌های نباتی و گل‌های کوچک و بعضی خطوط.

شیخ صفی‌الدین، اهل تسنن بود و خود را از اخلاف علی‌بن ابیطالب، خلیفه چهارم نیز نمی‌شمرد. ظاهراً شیخ صدرالدین فرزند و جانشین شیخ صفی‌الدین که می‌خواست نفوذ خویش را بر توده مردم حفظ کند، به فرقه میانه‌روی شیعه یعنی امامیه (دوازده امامی) پیوست. مذهب شیعه در قرن‌های هشتم و نهم هجری، میان روستائیان و بینوایان شهری رواج داشت علی‌الظاهر در همان اوقات این افسانه که پشت بیست و یکم صفی‌الدین به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد؛ پدید آمد. این افسانه را بعدها صفویه برای توجیه دعای سیاسی خویش مورد استفاده قرار دادند. نخستین شیوع صفوی در اردبیل می‌زیستند. زبان مادری ایشان آذربایجانی بود، نفوذ ایشان عظیم و مریدانشان نه فقط در آذربایجان بلکه در مغرب ایران، اصفهان، شیراز و نقاط دیگر و به ویژه در روم (آسیای صغیر) فراوان بوده‌اند. شیخ ابراهیم شیخ شاه (۱۴۲۷

نظر به اینکه ایرانیان در تربیت کرم ابریشم تخصص دارند و محصول خوبی از ابریشم در این کشور فراوان است؛ صنعتگران انواع چرخ‌ها و دوک‌ها برای باز کردن ابریشم از پیله و کلاف کردن آن اختراع کرده‌اند.



تصویر شماره ۳- یک قطعه پارچه زری با تارهای معدنی

شیخ حیدر، نخستین پیشوای صوفیان است که صفوف سرخ‌کلاهان را به شمشیر، نیزه، زوبین، گرز و سپر مجهز ساخت و حتی برای آشنا ساختن پیروان خویش به رموز اسلحه‌سازی، مدت‌ها در خانقاه خویش، در شهر اردبیل آستین بالا زده به ساختن نیزه و زوبین و شمشیر سرگرم بوده است (تاریخ جامع ایران جلد دهم یوسف رحیم لو)

از پسران سلطان حیدر، علی به قتل رسید و ابراهیم فوت کرد ولی اسماعیل پس از کسب فتوحات نظامی در سال ۹۰۵ هجری قمری موسس سلسله صفوی گردید. در این زمان پیوسته صنعتگران و هنرمندان را تشویق می‌کردند و به همین جهت صنعت و هنر در ایران پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و هنرمندان و صنعتگران احترامی خاص یافتند.

شاردن که در آن زمان در ایران اقامت داشته در این باره چنین می‌نویسد «نظر به اینکه ایرانیان در تربیت کرم ابریشم تخصص دارند و محصول خوبی از ابریشم در این کشور فراوان است؛ صنعتگران انواع چرخ‌ها و دوک‌ها برای باز کردن ابریشم از پیله و کلاف کردن آن اختراع کرده‌اند. نسا جان ابریشم را با سیم و زر مخلوط کرده (سیم فلزی را به دور ابریشم می‌تابند و به او گلابتون می‌گفتند) منسوجات نفیسی می‌بافتند که آن‌ها را زری (زریفت) می‌نامند. به طوری که می‌توان از آن‌ها صد قسم مختلف طراحی و بافت بدست آورد. پاره از این پارچه‌ها یک رو و پاره دیگر دو رو دارند یعنی پشت و روی آن‌ها یکسان است و تفاوتی از نظر پشت و رو ندارند. یک نوع پارچه نفیس و خوش‌نمایی هم می‌بافتند که در نوع خود منحصر به فرد است و آن را مخمل زریفت می‌نامند. پارچه‌هایی که در تزئین آن‌ها طلا به کار می‌رود بسیار گران بها هستند و در تمام دنیا پارچه‌ای نفیس‌تر و گران‌بها تر از

شدن ترکیده‌اند و علت آن هم این است که غالباً این پارچه‌ها مدت چندین سال تا شده در صندوقخانه و صندوق‌ها می‌مانند و در جایی که تا شده‌اند می‌ترکند. زنان بزرگ‌زاده و اعیان ایرانی در موقع ازدواج مالک مقداری از این پارچه می‌شوند و پس از برگزاری مراسم عروسی آن‌ها را تا کرده در صندوق محفوظ نگاه می‌دارند. این پارچه‌ها فقط در جشن‌های بزرگ و مجلل ممکن است دیده شوند. یعنی در این مواقع از صندوق‌ها خارج شده و دیوارها و طاقچه‌های منازل را زینت می‌دهند و بر شکوه و ابهت جشن می‌افزایند و پس از آنکه چند روزی چشمان ناظرین را از قشنگی و درخشندگی خود خیره کردند دوباره به صندوق رفته و پنهان می‌شوند.

نقوش این پارچه‌ها در قدیم چندان تفاوتی نداشته‌اند ولی به مرور زمان در اثر ابتکارات جدیدتر و طراحان ماهرتر به شگفتی‌های جدیدی دست داده‌اند. پارچه‌های قرن هجدهم دارای شکل‌های لوزی هستند که در میان آن‌ها دسته گلی قرار دارد. زمینه پارچه‌های این قرن درخشندگی بیشتری دارند و طلا و نقره زیادتری در آنها به کار رفته‌اند (سفرنامه خراسان تا بختیاری- هانری رنه آلمانی)

این پارچه‌های زریفت ایرانی پیدا نمی‌شود. در یک دستگاه نساجی پنج تا بیست نفر کارگر مشغول کار هستند و به عوض دو ماکو ۲۴ تا ۳۰ ماکوی مختلف با رنگ‌ها و پودهای مختلف به کار می‌افتد. کارگرانی که این نوع پارچه‌های ممتاز را می‌بافتند دارای مهارت زیاد هستند و هریک روزانه ۱۵ تا ۱۶ شاهی اجرت می‌گیرند و مقدار بسیار کمی (حدود ۱۳ سانتی‌متر پارچه) می‌بافتند (هریک ریال ۲۰ شاهی می‌باشد) این پارچه‌های گران‌بها را ثروتمندان برای پرده درها به کار می‌برند. مخمل زریفت از تمام اقسام پارچه‌ها زری قشنگ‌تر و خوش‌نماتر است به خصوص مخمل‌هایی که کرک‌های برجسته و مجعد دارند بسیار زیبا جذاب هستند.

نکته قابل ملاحظه در پارچه‌های مذکور این است که اگر پارچه به واسطه کثرت اشتغال و مرور زمان به کلی کهنه شود و فرسوده گردد باز همان درخشندگی و جلوه اولیه را در خود دارد. بیشتر این نوع پارچه‌های زری (زریفت) نفیس و خوش‌نما در شهرهای یزد و اصفهان و کاشان یافته می‌شوند اما متأسفانه بسیاری از این پارچه‌های زریفت که تا امروز هم درخشندگی و جلوه خود را حفظ کرده‌اند در محل تا